

اومانيسم هنري ايران

(دیدگاه‌های انسانگرایی در هنر و ادبیات ایران)

تألیف: شاهو احمدیان



انتشارات کتابچه

www.ketab.ir

سرشناسه	: احمدیان، شاهو، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: اومانیزم هنری ایران : (دیدگاه‌های انسانگرایی در هنر و ادبیات ایران) / تالیف شاهو احمدیان.
مشخصات نشر	: سندهج، کتابچه، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۱ ص. - مصور (بخشی رنگی)، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۳۴۰-۱۰۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۶ - ۱۵۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: دیدگاه‌های انسانگرایی در هنر و ادبیات ایران.
موضوع	: انسان‌گرایی در هنر

Humanism in art

انسان‌گرایی در ادبیات

Humanism in literature

نقاشی‌های ایرانی

Paintings, Iranian

نقاشی تک چهره ایرانی

Portrait painting, Iranian

شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد

th century -- History and criticism. Persian poetry --

انسان (عرفان)

Man (Mysticism)

۸۸۲۱۷ : رده بندی کنگره

۷۰۱ : رده بندی دیویی

۹۴۱۴۶۳۱ : شماره کتابشناسی ملی

فیبا : اطلاعات رکورد

کتابشناسی



کتاب: اومانيسم هنري ايران (ديدگاه هاي انسانگرايي در هنر و ادبيات ايران)

تأليف: شاهو احمديان

ناشر: انتشارات کتابچه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۴۰-۱۰۶-۰

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: تومان

سندج، مجتمع تجاری کردستان، طبقه اول، واحد ۲۲۳

تلفن: ۰۸۷۳۳۲۲۹۹۶۸ - ۰۹۱۸۸۷۲۱۰۵۹

www.ketabchepub.ir

مقدمه..... ۷

فصل اول : تعاریف اومانیسیم

۱-۱ اومانیسیم..... ۱۵

۲-۱ اومانیسیم از نظر واژه‌شناسی و لغت..... ۱۶

۳-۱ تعریف اومانیسیم..... ۱۷

۴-۱ معنای لغوی..... ۱۷

۵-۱ اومانیسیم در زبان فارسی..... ۱۹

۶-۱ معانی اصطلاحی اومانیسیم^۱..... ۲۰

۷-۱ اصطلاح عام..... ۲۹

فصل دوم : انواع اومانیسیم

۱-۲ انواع اومانیسیم..... ۳۵

۲-۲ اعتقادات اومانیسیت‌ها..... ۳۷

فصل سوم : اومانیسیم مدرن و اسلامی

۱-۳ اومانیسیم مدرنیته..... ۴۳

۲-۳ اومانیسیم اسلامی..... ۴۶

فصل چهارم : انسان‌شناسی

۱-۴ انسان‌شناسی..... ۵۳

۲-۴ انواع انسان‌شناسی..... ۵۳

۳-۴ انسان‌شناسی در یک نگاه..... ۵۶

۴-۴ مبانی انسانشناسی اومانیسم..... ۵۷

۴-۵ ضرورت انسانشناسی از دیدگاه‌های مختلف..... ۵۹

۴-۶ انسان در دیدگاه عرفان و تفکر اسلامی..... ۶۱

۴-۷ انسان در دیدگاه سهروردی و ابن‌سینا..... ۶۹

۴-۸ انسان در دیدگاه فارابی..... ۷۱

فصل پنجم: اومانیسم در هنر ایرانی

۵-۱ انسان‌گرایی در هنر ایرانی..... ۷۶

۵-۲ شکل انسان در نگارگری..... ۸۱

فصل ششم: اومانیسم در شعر معاصر فارسی

۶-۱ انسان‌گرایی در شعر معاصر فارسی..... ۱۱۴

انسان‌گرایی در دید کلی..... ۱۴۴

منابع..... ۱۴۶

مقدمه

ظهور دولت‌شهرهای مختلف در یونان باستان، تربیت انسان‌هایی برای اداره آن دولت‌شهرها را ضروری ساخت. از این‌رو سوفسطاییان کمر همت بسته و به تربیت چنین انسان‌هایی مشغول شدند و آنچه در این راستا موردعنايت ویژه واقع گشت خوداتسان، روحیات و کیفیت برخورد او با افراد جامعه و انسان‌های دیگر و در یک‌سخن مباحثی پیرامون انسان بوده است.

این عامل نیز سبب شد که انسان از جهت دیگر محور کانون اصلی توجه واقع شود و مباحث فلسفی از پژوهش نظری پیرامون کیهان و هستی، به پژوهش و تحقیق پیرامون انسان تغییر جهت دهد و مهم‌ترین وظیفه سیاست و دولت، تربیت انسان و شکل بخشی به آدمی وزندگی او تلقی گردید. در حقیقت تاریخ فرهنگ یونان، تاریخ محوریت انسان نسبت به همه امور عالم و حقایق بوده و بهبودی زندگی این جهانی و مادی او اساسی‌ترین غایت و هدف تمام تحقیقات نظری و عملی و تلاش‌های اجرایی بوده است.

اما پس از زوال فرهنگ و تمدن یونانی به دنبال جنگ‌های متعدد و زوال دولت‌شهرها و فروپاشی آن‌ها، بازمانده‌های تمدن یونانی به روم متصل گردید و متفکرین رومی سعی نمودند تا با استفاده از عناصر آموزه‌های فرهنگ یونانی، تحولی در فرهنگ، هنر و ادب خود ایجاد نمایند. ولی با اشاعه مسیحیت در روم و تثبیت نهاد کلیسا، وضع از ریشه دگرگون گردید.

بنابر آموزه کلیسا و مسیحیت تبلیغ‌شده توسط پولس و سایر رسولان، انسان ذاتاً فاسد و تبه‌کار است و این فساد و خبث باطنی انسان به حدی است که او خود نمی‌تواند چاره‌ای اندیشیده و خویشتن را از این گناه و فساد فطری نجات دهد، بدین جهت خدای متعال مایندبیر خویش و مطابق لطف و محبت خود، فرزندش را که در حقیقت جلوه انسانی خداوند است به شکل انسان درآورده و با زجر و شکنجه دیدن او، درنهایت به صلیب کشیده شدن او، فدیهای برای نجات بشریت پرداخت نموده است.

بدیهی است که در این رویکرد، انسان از جایگاه مهم و ارج وافی برخوردار نیست. بر این اساس نمی‌تواند محور پژوهش‌های علمی قرار گیرد، از این رو ملاحظه می‌کنیم محوریت انسان در پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف که در یونان

باستان و نیز (روم باستان) به اوج خودش رسیده بود، در قرون وسطا روبه زوال نهاده و حتی فلسفه نیز خادم الهیات می شود.

اما با افول تدریجی دین مسیحیت در انتهای قرون وسطا، تفکر اومانیستی یونان باستان، مورد توجه مجدد قرار گرفت و متفکرین عصر رنسانس، به همان تفکر بازگشتند. اندیشمندان دوره رنسانس با پدید آوردن جنبشی علیه آموزه های قرون وسطا و مسیحیت، بازگشت به دوران باستان را مطرح نمودند به طوری که فرهنگ کلاسیک باستانی، خود را به عنوان فرهنگی آرمانی عرضه کرد و همه مردمان اعم از شاعران، نویسندگان، سخنوران، تاریخ نویسان و پژوهشگران، عنوان اومانیست یافتند و بدینسان رنسانس یعنی تولد دوباره ادب و فرهنگ دوران باستان، به صورت جدی و همه جانبه مطرح گردید؛ و در حقیقت، علاقه به دوران کلاسیک یونان و روم، مشخصه و ویژگی اساسی تفکر اومانیستی عصر رنسانس است.

رنسانس، با رجوع به یونان باستان و پذیرش آن، انسان را محور پژوهش های خود قرار داده و روح انسان مداری را در تحقیقات علمی خود به ویژه در ادبیات، شعر، تاریخ، معانی و بیان، حاکم نمود.

در عصر جدید، آدمی با نیازها و خواست‌ها و آرمان‌ها و تمایلات ناسوتی‌اش مبنا و معیار همه‌چیز پنداشته می‌شود و به تعبیری، انسان، خدا می‌شود. مارتین فویر باخ^۱، می‌نویسد برای بشر، خدا همان بشر است مارتین هیدگر نیز در تعریف عصر جدید که دوران سیطره اومانیسم است، چنین می‌نویسد دورانی که ما آن را مدرن می‌خوانیم، با این حقیقت تعریف می‌شود که انسان، مرکز و ملاک تمامی موجودات است محوریت تمام عیار و همه‌جانبه انسان در تفکر اومانیستی و در حقیقت تکیه زدن انسان به جای خداوند متعال و طرد خدای متعالی دین و سستی تا بدان حد است که ژان پل سارتر اعلام می‌دارد فلاسفه اومانیست برای رهایی از چنگال خداپرستی، تصور نوعی وجود متعالی را کنار نگذاشتند، بلکه صرفاً نام آن را تغییر دادند از سوی دیگر تصاد ماهوی غرب مدرن با اسلام نیز در همین جوهر اومانیستی مدرنیته نهفته است، چرا که غرب مدرن در همه‌شئون و جنبه‌های خود اومانیستی و بشرانگار و ازاین‌رو، غیردینی و بلکه ضددینی است. اومانیسم، اصلی‌ترین شاخص تفکر و تمدن مدرن است که حقیقت آن، سیطره ساخت نفسانی وجود آدمی بر ساحت روحانی وجود وی و اسارت در چنگال نفس

^۱ فیلسوف آلمانی ماتریالیست قرن نوزدهم

اماره است و با انکار بندگی خداوند به اثبات بردگی نفس اماره می‌پردازد.
دموکراسی نیز صورت سیاسی و اجتماعی تفکر اومانیستی است.

www.ketab.ir